

دانش تاریخ در کلام حضرت امام خمینی (ره)

سیره آن بزرگواران باشد (آداب الصلاة، ص ۱۴۷). امام خمینی (ره)، مکرراً مسلمانان و دولت‌های اسلامی و تمام صاحبان قدرت را به عبرت گرفتن از تجربه‌های عصر استعمار و انحطاط قدرت‌هایی چون امپراتوری عثمانی در اثر تفرقه و نیز سقوط سلطنت پهلوی در اثر ظلم و استبداد، فرامی‌خواندند (نک. صحیفه امام، ج ۷، صص ۶۸-۶۷ و ۵۱۰-۵۰۸). افزون بر این، سخنان ایشان گواه بر آن است که تجربه‌های تاریخی ملت ایران و دیگر ملل و نیز تجربه‌های تاریخی شیعه، یکی از مبانی اندیشه و عمل ایشان در رهبری انقلاب اسلامی بوده است (نک. صحیفه امام، ج ۳، صص ۲۹۸، ۴۸۵، ۵۰۴، ۵۱۲ و ۵۲۴). برای مثال، ایشان نهضت مشروطه را عبرتی بزرگ برای انقلاب اسلامی می‌دانند و اختلاف عالمان و روحانیان را منشأ شکست آن نهضت ذکر می‌کنند و روحانیت عصر خود را نسبت به خطر بزرگ تفرقه هشدار می‌دهند (صحیفه امام، ج ۱۸، صص ۱۷۱-۱۷۰).

از نظر امام خمینی (ره)، تاریخ‌نگاری امری ضروری است و همواره در هر عصری باید مورخانی امین و دقیق، وظیفه ثبت تجربه‌های آن دوران را بر عهده گیرند. اگر تاریخ ثبت و ضبط نشود یا ناقص ثبت شود، نسل‌های آینده در بازشناسی و بازیابی هویت و فرهنگ خود، فراوان دچار مشکل خواهند شد و گذشته یک ملت که امروزش را

یکی از شاخه‌های علمی مورد علاقه امام خمینی (ره)، دانش تاریخ است. ایشان به مباحث نظری این دانش توجه داشتند و افزون بر آن، به مطالعه مستمر آثار تاریخی و الگوگیری و عبرت‌پذیری از آن‌ها می‌پرداختند. امام راحل در سخنرانی‌ها و نوشته‌های خود معمولاً برای تبیین مطالب و پیام‌های خود از حکایت‌ها و روایت‌های تاریخی استفاده می‌کردند که خود، گواهی بر الهام‌گیری فراوان ایشان از تاریخ است. برای نمونه در یک سخنرانی چند داستان از صدر اسلام را بیان کرده‌اند (صحیفه امام، ج ۴، ص ۳۲۵). از نظر امام خمینی (ره)، دانش تاریخ آن هنگام با ارزش و علمی سودمند به‌شمار می‌آید که برای عبرت‌پذیری بدان مراجعه شود (شرح چهل حدیث، ص ۳۹۶؛ تقریرات فلسفه، ج ۳، ص ۴۵۸). یکی از محورهای مهم مورد عنایت امام راحل، الگوساختن تاریخ انبیا و اولیا (ع) و قصص تاریخی قرآن کریم است که بارها در بیانات و نوشته‌های خود بدان پرداخته‌اند و همگان را به دقت در تاریخ انبیا و عبرت گرفتن از قصص آن بزرگواران (ع) فراخوانده‌اند (تقریرات فلسفه، ص ۳۶۵؛ شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۲۸۸ و ۳۴۶). ایشان متذکر می‌شوند که در تاریخ بزرگان دین و ائمه معصومین (ع)، اکتفا به سال و روز وفات و تولد و مقدار عمر شریف و امثال این امور، فایده چندانی ندارد، بلکه باید هدف از مطالعه تاریخ ایشان، اسوه‌قراردادن آنان و تأسی به



دکتر سعید طاووسی مسرور

که کتابشان بناست به چه نتیجه‌ای برسد و در آخر به همان نتیجه هم می‌رسند.» در همان نامه آمده است: «امیدوارم بتوانید با دقت، تاریخ حماسه‌آفرین و پرحادثه انقلاب اسلامی بی‌نظیر مردم قهرمان ایران را بدان‌گونه که هست ثبت نمایید.»

بر خلاف آثار تاریخی موجود که وقایع را تنها از زبان بزرگان و نخبگان و گاهی تنها از وابستگان قدرت روایت می‌کنند، امام راحل توده‌های مردم را بهترین منبع برای تدوین تاریخ می‌دانند. ایشان در همان نامه به سیدحمید روحانی دربارهٔ تدوین تاریخ انقلاب اسلامی می‌نویسند: «اگر شما می‌توانستید تاریخ را مستند به صدا و فیلم حاوی مطالب گوناگون انقلاب اسلامی از زبان توده‌های مردم رنج‌دیده کنید، کاری خوب و شایسته در تاریخ ایران نموده‌اید. باید پایه‌های تاریخ انقلاب اسلامی ما، چون خود انقلاب، بر دوش پابرهنگان مغضوب قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها باشد. شما باید نشان دهید که چگونه مردم علیه ظلم و بیداد، تاجر و واپس‌گرایی قیام کردند» (صحیفهٔ امام، ج ۲۱، صص ۲۴۰-۲۳۹).

امید است این نکات مهم در تاریخ‌نگاری که از بیان و بنان امام خمینی (ره) برگزیده شده‌اند، مورد توجه همهٔ دست‌اندرکاران عرصهٔ تاریخ و تاریخ‌نگاری، به‌ویژه دبیران محترم، قرار گیرد.

می‌سازد، محو خواهد شد (صحیفهٔ امام، ج ۱، صص ۲۸۹). به تعبیر امام راحل: «درست آنچه امروز برای ما روشن و واضح است برای نسل‌های آینده مبهم می‌باشد؛ و تاریخ، روشن‌نگر نسل‌های آینده است...» (صحیفهٔ امام، ج ۳، صص ۴۳۴). البته تاریخ‌نگاری باید دقیق و محققانه و به‌دور از غرض‌ورزی باشد. از دیدگاه امام خمینی (ره)، تاریخ‌نگاری برای دستگاه حاکم و در عصر ما خدمت مورخ به قدرتهای شرق و غرب، از بزرگ‌ترین آفت‌های تاریخ‌نگاری است (صحیفهٔ امام، ج ۲۱، صص ۲۳۹) که از سفاکان و ظالمان، اسطوره‌های نیکی و عدل می‌سازد و به تعبیر امام راحل، از دزدان و زورگویان، «اعلی‌حضرت» (صحیفهٔ امام، ج ۵، صص ۸). امام خمینی (ره) در نامه به سیدحمید روحانی و مأمور کردن وی به تدوین تاریخ انقلاب اسلامی، نسبت به یک آسیب جدی تاریخ‌نگاری به او هشدار می‌دهد و آن، تحریف تاریخ است که ممکن است با انگیزه‌های گوناگون رخ دهد. حتی اگر مورخ به خاطر خوشامد دستگاه حاکم واقعیات تاریخی را وارونه جلوه ندهد، ممکن است گرفتار اموری چون تعصب مذهبی و پیش‌داوری شود. به تعبیر امام خمینی (ره): «شما به‌عنوان یک مورخ باید توجه داشته باشید که عهده‌دار چه کار عظیمی شده‌اید. اکثر مورخین، تاریخ را آن‌گونه که مایل‌اند یا بدان‌گونه که دستور گرفته‌اند می‌نویسند، نه آن‌گونه که اتفاق افتاده است. از اول می‌دانند